



در این نوشته قصد داریم الگوی رفتاری و رویه کشورهای غربی و شورای امنیت سازمان ملل متحد را در قبال موضوع موشک‌های طراحی شده برای قابلیت حمل سلاح هسته‌ای مورد بررسی قرار می‌دهیم.

■ **موشک‌های طراحی‌شده برای قابلیت حمل سلاح هسته‌ای**

در این‌ بخش به بررسی و تبیین رویه و الگوی تفسیری و رفتاری نظام بین‌المللی در مورد عبارت «Designed to be capable of delivering nuclear weapons» که پیرامون برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران در بند سوم ضمیمه دوم قطعنامه ۲۲۳۱ درج شده است می‌پردازیم. بدین منظور، ابتدا عبارتی را که در ماده نهم قطعنامه ۱۹۲۹ ذکر شده است، مورد بررسی قرار می‌دهیم، سپس به بررسی تفاسیر موجود از این عبارت می‌پردازیم.

بخش اول

Capable of delivering nuclear weapons (nuclear capable)
با بررسی ادبیات و رویه‌های موجود در اسناد و متون بین‌المللی پیرامون موضوع موشک‌هایی که دارای قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای یا دیگر سلاح‌های کشتار جمعی هستند، به این نتیجه می‌رسیم تعریفی که رژیم کنترل فناوری موشکی MTCR در این زمینه ارائه داده توانسته است تا حد زیادی به یک رویه نسبتاً قابل‌قبول تبدیل شود. در واقع به علت اینکه پیرامون موشکی که «قابلیت» حمل سلاح هسته‌ای داشته باشد، تعریف دقیق و جامعی از سوی مجامع بین‌المللی مرتبط با حوزه خلع سلاح یا معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوط ارائه نشده است و با توجه به فقدان معاهد‌های چندجانبه در ارتباط با موضوع موشکی، تعریفی که رژیم کنترل صادراتی MTCR ارائه کرده، توانسته است به رویه تبدیل شود. در رژیم MTCR چنین قید شده است:

Capabilities exceeding a 500/300 (km/kg) range/payload
براساس این تعریف، صرفاً موشک‌هایی که دارای بردی بالاتر از ۳۰۰ کیلومتر بوده و ظرفیت ترابری (وزن سر جنگی) بالای ۵۰۰ کیلوگرم داشته باشند، قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای دارند. البته در رابطه با این تعریف، در یکی از پروژه‌های تحقیقاتی مرکز مطالعات بین‌المللی و استراتژیک آمریکا «CSIS» قید شده است که مینا قرار دادن ظرفیت سر جنگی بالای ۵۰۰ کیلوگرم براساس این فرض است که دولت‌های هسته‌ای در حال ظهور قادر نخواهند بود سلاح هسته‌ای را که وزن کلاهک آن کمتر از ۵۰۰ کیلوگرم باشد، بسازند. براساس این تحلیل، چنین به نظر می‌رسد در صورتی که کشوری بتواند کلاهک هسته‌ای را با وزنی کمتر از ۵۰۰ کیلوگرم بسازد، موشک‌هایی که قابلیت حمل سر جنگی و کلاهک کمتر از ۵۰۰ کیلوگرم داشته باشند نیز می‌توانند در زمره موشک‌های «Nuclear Capable» قرار گیرند. البته نسبت به تعریف رژیم MTCR انتقاداتی نیز وارد شده است، به‌عنوان مثال در یکی از پروژه‌های تحقیقاتی که توسط موسسه آمریکا و کره «USKI» با موضوع مذاکرات موشکی آمریکا و کره‌شمالی انجام شده است، تعریف MTCR از موشک‌های Nuclear Capable تا حدی دلخوارانه

دکتر میثم پاشایی^۱: یکی از مباحث مهم در حوزه شوراهای شهری و روستایی بحث عملکرد و خروجی مثبت و موثر شوراهار در مدیریت نظام شهری و روستایی است. به این معنا که آیا آن افق و اهدافی که قانون اساسی برای تشکیل و نقش شوراها پیش‌بینی کرده است، به شکل قابل‌قبولی اجرا می‌شود؟ اگر پاسخ آری است، پس مسؤولیت این همه مشکل و بحران در حوزه‌های مختلف شهری بر عهده کیست؟! و اگر منفی است، سبب و موانع موجود کدام است؟ براساس تجربه به دست آمده از چند دوره تشکیل شوراهار در ایران، به وضوح و روشنی می‌توان گفت از موضوعاتی که می‌توان آن را از علل موفق نبودن برخی شوراهار دانست، فقدان تخصص لازم و تجربه کافی در مجموعه منتخب شوراهای شهری و روستایی است. به طور واضح و روشن– و البته

توصیف و قید شده است قطعنامه ۹۸۷ شورای امنیت سازمان ملل متحد، عراق را از داشتن موشک‌هایی که دارای بردی بیش از ۱۵۰ کیلومتر هستند، صرف‌نظر از ظرفیت سر جنگی آنها منع کرده است. سپس نتیجه‌گیری کرده است که تعیین برد ۲۰۰ کیلومتر تقریبی است و بر همین اساس تعریف «موشک بالستیک دارای قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای» ناقص است. به استثنای MTCR در هیچ‌یک از اسناد، توافقات، رژیم‌ها و ترتیبات چندجانبه بین‌المللی به موضوع تعریف قابلیت حمل کلاهک پرداخته نشده است. حتی در کردارنامه موشکی لاهه (HCOC) که ادعا می‌شود مکمل MTCR است و هدف آن محدود کردن اشاعه موشک‌های بالستیک دارای قابلیت حمل سلاح‌های کشتار جمعی است، هیچ تعریف دقیقی از مؤلفه‌های چنین موشکی ارائه نشده است. حتی در ۳ گزارش دبیر کل سازمان ملل متحد که توسط کمیته متخصصان (تشکیل‌شده متعاقب قطعنامه ۵۹۶۷ مجمع عمومی) تهیه شده و با موضوع موشک در تمام بعد آن (– A in all its Issue of Missiles in its pects) در سال‌های ۲۰۰۴، ۲۰۰۲ و ۲۰۰۸ ارائه شده است نیز هیچ تعریفی از قابلیت مذکور به میان نیامده است، فقط در شماره اول آن یعنی در سال ۲۰۰۲ به MTCR و برخی جزئیات آن اشاره شده است. همچنین در چندین جای آن به عبارت «موشک‌های دارای قابلیت حمل سلاح‌های کشتار جمعی» اشاره شده است بدون آنکه به تعریف دقیق و مؤلفه‌های چنین موشکی بپردازد. اما به‌رغم انتقاداتی که نسبت به تعریف MTCR از این موضوع وجود دارد و بخشی از آن نیز انتقاداتی از حیث فنی است که باید به طور تخصصی بررسی شود، ولی این تعریف توانسته است تا حد زیادی به مبنایی برای تکنیک موشک‌های بالستیک و کروزی که قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای دارند و موشک‌هایی که فاقد این قابلیت هستند، تبدیل شود. حتی برخی کارشناسان مانند یکی از پژوهشگران انجمن کنترل تسلیحات آمریکا (Arms Control Association) به صراحت ادعا می‌کنند: «جامعه بین‌المللی عموماً یک موشک بالستیک را اگر بتواند سر جنگی ۵۰۰ کیلوگرمی را در فاصله ۳۰۰ کیلومتری حمل کند به‌عنوان Nuclear capable تعریف می‌کند».

به‌عنوان نمونه یکی از مصادیق این موضوع، کشور لیبی بود، در بیانیه‌ای که لیبی ۱۹ دسامبر ۲۰۰۳ در زمینه سلاح‌های کشتار جمعی منتشر کرد که نتیجه مذاکرات سری آمریکا با لیبی و دیپلماسی اجبار ایالات‌متحده و برخی متحدان واشنگتن علیه لیبی بود، دولت لیبی متعهد شد موشک‌های بالستیک فراتر از ۳۰۰ کیلومتر برد و کلاهک بیشتر از ۵۰۰ کیلوگرم را منهدم کند (Eliminate ballistic missiles beyond 300 km range, with a payload of 500kg).

در مورد کره‌شمالی نیز مذاکره موشکی آمریکا و کره‌شمالی در سال ۱۹۹۶ به‌عنوان پیوست توافق هسته‌ای آمریکا و کره‌شمالی در سال ۱۹۹۴ آغاز شد و ۱۵ جولای ۱۹۹۸ جزئیات و مفاد این مذاکرات به کنگره آمریکا ارائه شد. در سندی که به کنگره ارائه شد، صحبتی از معیارهای موشک‌های دارای قابلیت حمل سلاح‌های کشتار جمعی نشد ولی پیوست شماره دوم آن که حاوی مقالات کاری طبقه‌بندی نشده بود، به

رژیم کنترل فناوری موشکی MTCR استناد کرده است و معیارهای این رژیم برای موشک دارای قابلیت حمل سلاح‌های کشتار جمعی را بیان کرده است. در موضوع برنامه هسته‌ای و موشکی جمهوری اسلامی ایران، قطعنامه شماره ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل متحد، در پاراگراف شماره ۹ از عبارت موشک‌های بالستیک دارای قابلیت حمل سلاح‌های هسته‌ای – Ballistic missiles capable of delive ing nuclear weapons « استفاده می‌کند و بدون توضیح بیشتر به همین تعریف بسنده می‌کند. ولی کمیته ۸ نفره متخصصان با عنوان Panel of Experts که در بند ۲۹ قطعنامه ۱۹۲۹ پیش‌بینی شده است، در گزارش‌های مختلف مصادیقی برای موشک‌های Nuclear capable ایران تعیین کرد. این پنل به‌صورت سالانه گزارش‌هایی را در مورد ایران ارائه داده است، به‌عنوان نمونه گزارش ۱۲ ژوئن ۲۰۱۲ در ماده ۷۶ آن قید کرده است موشک شهاب ۳ و موشک سجیل، هر دو به طور بالقوه Nuclear capable هستند. در واقع تمام موشک‌هایی که توسط پنل متخصصان مصداق Nuclear capable شناخته شده‌اند بر اساس اطلاعاتی که از این موشک‌ها در دست هست، همگی واجد مؤلفه‌های ذکر شده در MTCR هستند. در دیگر گزارش‌های کمیته ۸ نفره فوق نیز مصادیق دیگری قید شده است مانند موشک شهاب ۱ و قدر. گزارش‌های پنل متخصصان هیچ تعریفی از Nuclear capable ارائه نداده است و مشخص نکرده است بر چه مبنایی تشخیص داده این موشک‌ها Nuclear capable هستند ولی به نظر می‌رسد با توجه به رویه شدن تعریف MTCR و پذیرش و مقبولیت نسبی آن در مجامع بین‌المللی، این پنل نیز با پیش‌فرض حداقل برد ۳۰۰ کیلومتر و حداقل وزن سر جنگی ۵۰۰ کیلوگرم، مصداقی‌ی‌ی کرده است، با توجه به این موارد به این جمع‌بندی می‌رسیم که می‌توانیم تکنیک قائل شویم باین موضوع که اولاً آیا واقعاً به لحاظ فنی و در عمل موشکی که دارای بردی بالای ۳۰۰ کیلومتر و وزن کلاهک بیش از ۵۰۰ کیلوگرم است، ذاتاً و به‌طور بالقوه قابلیت حمل سلاح هسته‌ای را دارد.

ثانیاً چه گزاره بالا به لحاظ فنی درست باشد و چه قابل تردید باشد، این‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که چنین تعریفی برای موشک‌های Nuclear capable به رویه و به اصطلاح حقوقی – Fait accompli در نظام حقوقی کنترل تسلیحات و عدم اشاعه درباره موشک‌های بالستیک تبدیل شده است و مبنای عمل و تصمیمات بین‌المللی درباره موشک‌های Nuclear capable است. در واقع کشورهای غربی در حال حاضر توانسته‌اند MTCR را به‌عنوان سند اجماعی بین‌المللی درباره موشک و فناوری موشک، تثبیت کنند.

بخش دوم
Designed to be capable of delivering nuclear weapons
حال با توجه به اینکه در بخش اول مبتنی بر رویه حقوق بین‌الملل موجود توانستیم تاحدی تکلیف‌عبارتی را که در بند ۹ قطعنامه ۱۹۲۹ آمده بود مشخص کنیم، در این بخش به عبارت مندرج در بند ۲ ضمیمه دوم قطعنامه ۲۲۳۱ پرداخته و سپس ۲ عبارت قطعنامه‌های ۱۹۲۹ و ۲۲۳۱ را به‌صورت تطبیقی بررسی می‌کنیم.

Ballistic missiles capable– of delivering nuclear weapons

در قطعنامه ۲۲۳۱ نیز آمده است:

Missiles designed to be– capable of delivering nuclear weapons
واژه طراحی (design) برای حمل سلاح هسته‌ای تاکنون جز در قطعنامه ۲۲۳۱، در قطعنامه ۱۵۴۰ شورای امنیت سازمان ملل متحد قید شده است؛ بنابراین صخه اول در توضیح معنی delivery of nuclear weapons of delivering nuclear weapons، or

ملموس– طی دوره‌های قبل حضور افراد و چهره‌های محبوب هنری، تلویزیونی، ورزشی و حتی متمکن مالی در عرصه انتخابات شوراهار را دیده‌ایم. با کمی دقت و جست‌وجو خواهیم دید در هر شهر و روستایی افرادی برای نمایندگی شورا کاندیدا می‌شوند که صرفاً به واسطه فعالیت هنری و تفریحی خود بین مردم شناخته شده هستند و سعی می‌کنند با استفاده از این فرصت به دست آمده با تحریک علایق شهروندان و نه بر اساس اندیشه و خرد جمعی، به شورا راه پیدا کنند. نکته اول در این رابطه این است که ایرادی که وارد هست متوجه سیستم و ساختار تعیین صلاحیت

biological weapons that are specially designed for such use.

در واقع اینجا مفهوم طراحی اختصاصی یا Specially designed را وارد ادبیات تخصصی این حوزه کرده‌است ولی چه در متن قطعنامه و چه در اسناد ویژه کمسیون ۱۵۴۰ که متعاقب قطعنامه شکل گرفت، مقصود خود را از طراحی اختصاصی شفاف نکرده است. در صورتی که بپذیریم تفاوتی بین Capable و Designed to be capable وجود دارد، به این معناست که علاوه بر دو مشخصه‌ای که در MTCR قید شده، طراحی‌های دیگری نیز برای Nuclear capable بودن موشک نیاز است، اگر هم به لحاظ فنی این ادعا صحت داشته باشد، رویه بین‌المللی موجود چنین اعتقادی ندارد و به همان دو مؤلفه اکتفا می‌کند. حال نحوه مواجهه شورای امنیت در قبال آزمایش موشک عماد توسط جمهوری اسلامی ایران که قبل از لازم‌الاجرا شدن قطعنامه ۲۲۳۱ صورت گرفت و عماد را با حداقل برد ۱۰۰۰ کیلومتر و ظرفیت حمل قطعنامه ۲۲۳۱ صورت گرفت بررسی خواهیم کرد. پس از آزمایش موشک بالستیک عماد در ۱۰ اکتبر ۲۰۱۵، پنل متخصصان قطعنامه ۱۹۲۹ در گزارشی محرمه خطاب به کمیته تحریم ایران در شورای امنیت که بخشی از آن را خبرگزاری رویترز منتشر کرد، موشک عماد را با حداقل برد ۹۰۰ کیلومتر و ظرفیت حمل کلاهک حداقل ۱۰۰۰ کیلوگرم، دارای قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای و نقضی (Violation) ماده ۹ قطعنامه ۱۹۲۹ اعلام کرد. در همان گزارش خبرگزاری رویترز قید شد که پنل متخصصان، موشکی را دارای قابلیت حمل سلاح هسته‌ای می‌داند که بتواند یک کلاهک حداقل ۵۰۰ کیلوگرمی را در حداقل برد ۳۰۰ کیلومتر حمل کند. اما پس از آزمایش موشک‌های بالستیک F و قدر H در ۹ مارس ۲۰۱۶ توسط جمهوری اسلامی ایران، ابتدا کشورهای آمریکا، فرانسه، انگلیس و آلمان نامه‌ای مشترک خطاب به رئیس دوره‌ای شورای امنیت و دبیر کل سازمان ملل متحد صادر کردند. درباره متن این نامه که به امضای ۳ عضو از ۵ عضو دائم شورای امنیت رسیده بود، چند نکته حائز اهمیت است.

– در این نامه قیدشده است که آزمایش موشکی اخیر ایران ناسازگار (Inconsistent with) و در تضاد (In defiance of) با قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت است. در این نامه از واژه نقض یا violation استفاده نشده است.

موشک‌های آزمایش‌شده توسط ایران را ذاتاً (– inhe ntly) دارای قابلیت حمل سلاح هسته‌ای دانسته‌اند (nuclear inherently capable of delivering nuclear weapons).

– خواهان واکنش مقتضی شورای امنیت نسبت به عدم پایبندی تهران نسبت به انجام تعهدات خود (Failure of its obligations) (To comply with) شده‌اند.

در جلسه‌ای که پس از این نامه در تاریخ ۱۴ مارس ۲۰۱۶ در شورای امنیت تشکیل شد، «سامانتا پاور» نماینده دائم آمریکا نزد سازمان ملل متحد به‌صراحت تأکید کرد این موشک‌ها برای حمل سلاح هسته‌ای طراحی شده است اما نکته بسیار قابل تأمل، استدلال «ویتالی چورکین» نماینده دائم روسیه در سازمان ملل متحد در برابر نماینده آمریکا بود که تأکید کرد: «آزمایش‌های موشکی اخیر ایران نقض قطعنامه ۲۲۳۱ نیست، زیرا قطعنامه فقط از ایران درخواست می‌کند «[call]s upon» نسبت به این محدودیت‌ها پایبند باشد. برای درخواست یا call نمی‌توان نقض – viol tion تصور، شد. در قطعنامه قبلی (قطعنامه ۱۹۲۹) جمهوری اسلامی ایران ملزم به نهی یا shall not این کار شده بود». در واقع در اینجا بحث و منازعه‌ای بر سر موضوع طراحی خاص این موشک‌ها نبوده است، بلکه صحبت بر سر این بوده که این بند قطعنامه الزام‌آور نیست، صرفاً از ایران درخواست کرده است و در واقع call upon الزام حقوقی یا Legally binding ندارد. در جلسه دیگری که ۱۸ جولای ۲۰۱۶ پس از ارائه گزارش ۶ ماهه دبیر کل از قطعنامه ۲۲۳۱ برگزار شد نیز «مادرو ریکرافت»، نماینده دائم انگلیس اظهار

بحثی در باب عبارت موشکی قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل

موشک بالستیک یا کلاهک هسته‌ای؟!

■ ایمان اسدی* ■

کرد: موشک‌های آزمایش‌شده اخیر ایران برای حمل کلاهک هسته‌ای طراحی شده‌اند، چراکه اینها طراحی شده‌اند تا بتوانند با حداقل ۵۰۰ کیلوگرم را که وزن کلاهک‌های هسته‌ای نسل اول هستند حمل کنند، همچنین طراحی شده‌اند تا حداقل برد ۳۰۰ کیلومتر را طی کنند بنابراین چنین موشک‌هایی ذاتاً قابلیت حمل سلاح هسته‌ای را دارند. با توجه به مواردی که گفته شد با توجه به اینکه کشورهای غربی معیارهای سند MTCR را تثبیت می‌کنند و در حال حاضر نیز نقش و نفوذ فراوانی در شورای امنیت و دیگر نهادهای تأثیرگذار مرتبط دارند و با توجه به اینکه هیچ معیار و سند دیگری نیز در این زمینه وجود ندارد که بتوان به آنها استناد کرد، به نظر می‌رسد در رویه کشورهای غربی نسبت به فعالیت‌های موشکی جمهوری اسلامی ایران به دلیل اضافه شدن واژه design تغییر عمده‌ای ایجاد نشود. در واقع اگر بار دیگر کمیته‌ای از متخصصان توسط شورای امنیت شکل بگیرد، احتمال فراوانی وجود دارد که موشک‌های فعلی جمهوری اسلامی ایران را designed to Be capable بنامند، همان‌طور که در گذشته چنین موشک‌هایی را Nuclear capable می‌نامیدند اما به دلیل الزام‌آور نبودن بند سوم ضمیمه دوم قطعنامه ۲۲۳۱ نقض قطعنامه به حساب نیامد. در این مورد، بررسی نمونه عربستان سعودی می‌تواند مفید باشد. عربستان سعودی تاکنون ۲ نوع از موشک‌های چینی دانگ فنگ (DF) را خریداری کرده است. DF۳ سال ۱۹۸۷ و DF ۲۱ سال ۲۰۰۷ خریداری شدند.

هر دو نوع موشک طراحی‌شده توسط چین موشک‌های Nuclear capable به شمار می‌آیند اما برخی منابع معتبر مدعی هستند چین قبل از تحویل این موشک‌ها به عربستان سعودی، آنها را با هدف حمل کلاهک‌های متعارف بازطراحی کرد تا قابلیت حمل سلاح‌های کشتار جمعی را نداشته باشند و سپس موشک‌ها را تحویل عربستان سعودی داد. به همین خاطر سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) از بررسی موشک‌های سعودی توسط کارشناسان خود، معامله موشک‌های دانگ فنگ ۲۱ را تأیید و تأکید کرد با نیت (Intended to) حمل کلاهک هسته‌ای طراحی شده است. این موشک قبل از بازطراحی توسط چین دارای ۲۵۰۰ کیلومتر برد و ۶۰۰ کیلوگرم سر جنگی بوده است اما اینکه چین در طراحی این موشک‌ها چه تغییری ایجاد کرد تا قابلیت حمل سلاح هسته‌ای از آنها گرفته شود، مبهم است و اطلاعات چندانی پیرامون آن در دسترس نیست. دوباره یادآور می‌شویم که ممکن است به لحاظ فنی، مینا و معیاری که در حال حاضر سازمان ملل و مراجع صلاحیت‌دار تفسیر تعصیمات خود می‌داند، الگوی تفسیری این شورا در این زمینه با توجه به نفوذ دیدگاه غربی تا حد زیادی مشخص است. با توجه به وجود چنین معیاری و اینکه دست‌آخر مصداق آن نیز توسط نهادهایی که این معیار را پذیرفته‌اند مانند شورای امنیت مشخص می‌شود، اضافه شدن واژه design و تفسیر آن تغییری در ماهیت این موضوع نیست به سابق ایجاد نمی‌کند. هرچند ادعا کنیم چنین موشک‌هایی برای حمل سلاح‌های متعارف طراحی شده‌اند و برای حمل سلاح‌های هسته‌ای طراحی نشده‌اند. پیشنهاد می‌شود جمهوری اسلامی همچنان تأکید کند هدف از ساخت چنین موشک‌هایی حمل سلاح هسته‌ای نیست، اگر هم ذاتاً دارای چنین قابلیتی باشند؛ اولاً نقض قطعنامه به‌حساب نمی‌آید، ثانیاً جمهوری اسلامی برای حمل کلاهک‌های انفجاری متعارف به این روند ادامه خواهد داد. دست آخر اینکه مذاکره‌کنندگان محترم، بیان کرده‌اند: «موشک‌های Nuclear capable دارای طراحی‌ها و محاسبات خاصی هستند که موشک‌های فعلی جمهوری اسلامی ایران فاقد چنین طراحی و محاسباتی است».

■ **کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران**
تا به مسائل و مشکلات موجود با دید کارشناسانه نگاه شود اگر نه مغفول می‌ماند. متأسفانه گاهی دیده شده از همه نوع تخصص غیرمرتبط با مدیریت شهر وجود دارد و آنچه هست با اکثر آوازشی است یا سیاسی محض یا اقتصادی صرف و… و این علت اصلی توسعه ناهموگن شهر است. و نکته پایانی اینکه تجربه به عنوان کارنامه یک مدیر، کاتالیزوری در مدیریت محسوب می‌شود که می‌تواند در تسریع و پیشروی کارها و امور به واسطه آشنایی که با کار مدیریتی دارد و آشنایی به قوانین موثر باشد. در حالی که اگر یک فرد آشنایی مقدماتی با قوانین و برنامه‌های مدیریتی پارلمان محلی متشکل از کمسیون‌های تخصصی است؛ عمران و برنامه‌ریزی، برنامه و بودجه، اجتماعی و فرهنگی و… لذا باید افرادی که منتخب شوراهار می‌شوند تقریباً از همه نوع زمینه‌های تخصصی باشند

تخصص و تجربه؛ حلقه‌های مفقوده شورای شهر

افراد است. اگر کمی بر جایگاه شوراهار و اهمیتی که در توسعه و برنامه‌ریزی شهر دارد، وقوف وجود داشته باشد باید صرفاً افرادی از این چهره‌ها تأیید صلاحیت شوند که تجربه مدیریتی و تخصص لازم را داشته باشند نه فقط بر مبنای اینکه چون نزد شهروندان و اهالی شهر شناخته شده‌اند انتخاب شوند. گاهی حتی آش از آنچه هست شورت هم می‌شود؛ آنجا که افراد به‌خاطر زیبایی ظاهر وارد مجموعه شورا می‌شوند.

این مساله بویژه در رابطه با بانوان کاندیدا بسیار اتفاق افتاده که به‌خاطر نعمت زیبایی که داشته‌اند انتخاب شده‌اند. در مورد دوم افرادی هستند که به‌خاطر

یادورقی ۲۶
 متن کتاب «تیره‌ی میسان» نویسنده فرانسوی درباره حادثهٔ ۱۱سپتامبر
 دروغ بزرگ
همزمان با کسب امتیازات ویژه آمریکا در شورای امنیت،نمایندگان کشورهای عضو پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) در مقر این سازمان و پشت درهای بسته گردهم آمده و تصمیم‌هایی برای کمک به آمریکا اتخاذ کردند.این کمک‌ها شامل کمک‌های نظامی و شرکت در جنگ علیه کشورهای پناهندهنده‌به عاملان حادثه نمی‌شد. جلسه آن روز اعضای ناتو مثل همیشه همراه با تشنج بود. برخی از کشورهای شرکت‌کننده در جلسه، عقیده داشتند ۱۱ سپتامبر، مسأله‌ای داخلی است و توسط تشکیلات درون‌مرزی آمریکا طراحی و اجرا شده؛ از این رو از درگیر شدن در جنگی بدون دلیل و توجیه کافی با عنوان «جنگ علیه تروریسم» خودداری کردند.دبیر کل ناتو، لرد جورج رابینسون پس از اتمام جلسه در جمع خبرنگاران گفت: «چنانچه شخص شود این حملات خارج از آمریکا طراحی و علیه عضوی از ناتو به کار گرفته شده، بنا به ماده(۵)پیمان‌نامه‌واشنگتن،تمام‌اعضاموظف به همکاری و پشتیبانی از آمریکا خواهند بود.»
ژاک شیراک، رئیس‌جمهور فرانسه نگران از عواقب تصمیمات ناتو عازم واشنگتن شد. برنامه این سفر از مدت‌ها قبل تنظیم شده بود. در این سفر ژاک شیراک از یکسو همچنان بر روابط پایدار فرانسه و مردم آمریکا تأکید کرد و از سوی دیگر در کنفرانس مطبوعاتی با هماهنگی کوفی عنان، دبیر کل سازمان ملل متحد، آمریکا را به اتخاذ مواضع آرام‌تری دعوت کرد. برخورد تلافی‌جویانه آمریکا باید محدود به گروه مشخصی از تروریست‌ها که در این حادثه دست داشته یا کشورهایی که کمک‌های آنها به این گروه‌ها ثابت شده، باشد. برخورد تند و آمرانه جان اشکرافت، دادستان کل آمریکا با رئیس سازمان FBI در کنفرانس مطبوعاتی مشترک آن دیو، در حضور خبرنگاران و نمایندگان رسانه‌ها، نشان داد که ترس مجامع بین‌المللی از حرکت‌های غیرموجه و سریع آمریکایی بی‌دلیل نبوده است. در این کنفرانس مطبوعاتی رابرت مولر، رئیس سازمان FBI و پلیس فدرال ضمن پاسخ به سوال یکی از خبرنگاران افزود: فعلاً عجله در گردآوری اطلاعات برای اثبات جرم مظنونان این حادثه نداریم. هنوز جمله رابرت مولر به اتمام نرسیده بود که جان اشکرافت به نحو خشن و توهین‌آمیزی صحبت‌های او را قطع کرد و گفت: «فرصت برای ادامه تحقیقات بسیار محدود است و مأموران FBI باید سریع‌تر از تروریست‌ها دست به کار شده و از وقوع جنایتی دیگر جلوگیری کنند. فعلاً فرصت برای تحقیقات نداریم و اطلاعات و شواهد گردآوری شده کافی به نظر می‌رسد.» لحن مقامات رسمی در ۱۳ سپتامبر تندتر از پیش شده و تخلیه مکرر کاخ سفید از پرسنل، تقریباً به عادت روزانه تبدیل شده بود. در آن روز نیز پس از دریافت اطلاعات مبنی بر احتمال وقوع حملات تروریستی، کاخ سفید بار دیگر از پرسنل تخلیه شد. دیک چنی، معاون رئیس‌جمهوری نیز به محلی امن و دوردست فرستاده شد. پس از این نمایش نفسگیکر، معلوم شد گزارش‌های تهدیدکننده دریافتی خالی از حقیقت بوده است. پل ولفوویتز (Wolfowitz) معاون وزیر دفاع و سخنگوی پنتاگون در کنفرانس مطبوعاتی این سازمان به داشتن مواضع محافظه‌کارانه و حمایت از کارتل‌های اسلحه‌سازی آمریکا شهرت دارد. ولفوویتز همچنین سر حلقه رابط کمپانی‌های اسلحه‌سازی با دولت آمریکاست. از یک سال قبل از حادثهٔ ۱۱ سپتامبر، ولفوویتز همواره با دعوت دولتمردان آمریکا به پایان دادن به کارهای کشیف در عراق نیت‌های نظامی متوعی تجویز می‌کرد و اکنون با غنیمت شمردن فرصت از شرایط آماده ۱۱ سپتامبر، بیش از هر زمان دیگر بر حمله به عراق و سرنگونی صدام پافشاری می‌کرد.
ولفوویتز در کنفرانس مطبوعاتی آن روز اشارهای به کشورهای هدف نکرد. نه اسمی از افغانستان برده شد و نه نامی از عراق که میان آمد، اما او بر این نکته تأکید کرد که عملیات نظامی ما محدود به یک کشور نخواهد بود، ما نه تنها به حساب عاملان این حادثه خواهیم رسید، بلکه به‌طور مستمر با کشورهای حامی این افراد برخورد را ادامه خواهیم داد. اشکارشدن مواضع دولت بوش در کنفرانس مطبوعاتی ولفوویتز، زمینه‌اجرای اینگونه مواضع را فراهم کرد. پس از این اعلام مواضع آشکار وزیر خارجه، کالین پاول از اسامه بن‌لادن به عنوان مظنون اصلی یاد کرد و خواستار تحقیقات بیشتر در رابطه با او شد.
ادامه دارد